

عدم گرایش جوانان به علوم انسانی

آزاده سقّار صفت ، فاطمه قاسمی ،
محدثه زینالی ، فاطمه سادات نجفی^۱

چکیده

«بزرگترین متفکران غرب می‌گویند: علوم انسانی در هر کشوری زائیده تفکرات بومی آنجا است». در واقع علوم انسانی آمریکا نمی‌تواند اروپا را اداره کند چون زائیده دگرگونی‌های اجتماعی خودشان است و زمانی می‌تواند با فرهنگ خود نسبت برقرار کند که زبان حقوقی و اجتماعی واحدی در جامعه برقرار کند تا بتواند با تحولات و باورها و ارزشهای اجتماعی خود همساز باشد و همچنین علوم انسانی و رشته‌های زیر مجموعه آن رابطه مستقیمی با روحيات و بعد روحي انسان - که پیچیدگی‌های خاصی دارد - دارد. بنابراین، باید توجه خاصی به این علوم داشت.

مسئولان آموزشی احساس می‌کنند تدریس فیزیک و شیمی و ریاضی نیاز به نگرش و روش علمی دارد و مدرسین این دروس حتماً باید متخصص باشند، ولی چنین تصویری در مورد دروس علوم انسانی وجود ندارد و شاید بشود گفت

۱. دانش‌آموزان دبیرستان علوم و معارف شهید مطهری تهران

یکی از عوامل بزرگ بیگانگی قشر وسیعی از جوانان ما با علوم انسانی، آموزش غیر مسئولانه و نادرست در کلاسهای درس است (جایی که جوانان فرصت تماس علوم انسانی مثل ادبیات را دارند ولی گاه بیهوده به هدر می‌رود).

جای بسی سوال است که آیا یک دانش آموز رشته ریاضی فیزیک باید تا این حد آشنا به مثلثات و هندسه باشد؟ آیا دانستن بسیاری از مسائل روزمره و اجتماعی برای او ضروری تر نیست؟ آیا وقتی اکثریت دانش آموزان مدارس قرار نیست وارد دانشگاه شوند مطالب ضروری تری برای یاد گرفتن برای آنها وجود ندارد؟ سوال اصلی این است که احتیاجات اصلی دانش آموزان ایرانی که اکثر آنان قرار است به همین تحصیلات بسنده کنند چیست؟ علوم انسانی در ایران بیشتر از آنچه که تحلیل و ریشه‌یابی مسائل انسانی و اجتماعی باشد، علومی حفظی است که سعی دارد مطالب را به سبک مکتب‌خانه‌های قدیم قطعی و حفظی بیان کند، در حالی که واقعیت علوم انسانی چیزی جز همین تحلیل و بررسی و شک نیست.

جایگاه پایین رشته‌های علوم انسانی و اقتصادی در نظام فرهنگی ایران است که کاملاً فرهنگ خلاف آن در کشورهای پیشرفته دنیا برقرار است و بسیاری بر این عقیده‌اند که این یکی از کلیدی‌ترین ریشه‌های عقب ماندگی ایران است. در کشورهای صنعتی علاقه مردم به انتخاب رشته‌های بازرگانی، مدیریت و اقتصاد کاملاً بالاتر از رشته‌هایی است که در ایران به عنوان بهترین رشته‌ها شناخته می‌شوند. نظام ارزش‌گذاری غلط و منجمد در نظام آموزشی ایران منجر به آن شده است که ارزش رشته نه بر اساس نیاز فرد یا اجتماع، بلکه بر اساس معیارهای فرهنگی غلط تعیین شود. با توجه به اهمیت علوم انسانی و نیاز کشور به این رشته، جوانان ما بیشتر گرایش به سایر علوم غیر انسانی دارند. ما در این مقاله به علل عدم گرایش جوانان به علوم انسانی را بررسی می‌کنیم.

کلید واژه‌ها: علوم انسانی، جوانان، بومی‌سازی، آموزش و پرورش، ایران